

نظرخواهی مترجم: جایگاه مترجم ادبی در فضای ادبی ایران (۱)

این واقعیتی انکارناپذیر است که ما در یکصدساله اخیر از نظر فرهنگی بیشتر مصرف‌کننده بوده‌ایم تا تولیدکننده. در چنین شرایطی ترجمه مهمترین ابزار آشنایی ایرانیان با جریانه‌های فرهنگی معاصر در جهان بوده است. از همین رو از آغاز نهضت ترجمه اخیر در ایران همواره مترجمان و بویژه مترجمان ادبی از جایگاهی ویژه در جامعه فرهنگی کشور برخوردار بوده‌اند. این از آن روست که این مترجمان نه تنها ژانرهای ادبی جدید مثل رمان و داستان کوتاه را به خوانندگان فارسی زبان معرفی کرده‌اند بلکه اصولاً راه رسیدن به زبان مناسب برای نوشتن رمان، داستان کوتاه و... را نیز هموار کرده‌اند. با این حال، طبق آمارها در دنیای انگلیسی زبان هر ساله بیش از ۹۷ درصد آثار منتشر شده را آثار تألیفی تشکیل می‌دهند و تنها ۳ درصد آثار چاپ شده در هر سال آثار ترجمه شده هستند و در این کشورها در بسیاری موارد حتی نام مترجم آثار ادبی بر روی جلد کتاب ذکر نمی‌شود در حالیکه در ایران ما با وضعیتی دقیقاً عکس این روبرو هستیم و قشر کتابخوان بسیاری از آثار ادبی را به اعتبار نام مترجم کتاب می‌خرند. چنین وضعیتی البته مشکلاتی را هم در پی دارد. گاه پیش می‌آید که مترجمی با ترجمه یکی دو کتاب از نویسنده‌ای به عنوان متخصص آن نویسنده شناخته می‌شود و در مطبوعات و محافل ادبی به اظهار نظر درباره نویسنده مورد نظر می‌پردازد. کفایت به مصاحبه‌های مطبوعاتی که بعد از انتشار ترجمه‌ها با مترجمان می‌شود نگاهی بیندازید تا مشاهده کنید که بیشتر سئوالاتی که از مترجمین پرسیده شده درباره مضمون کتاب، جایگاه نویسنده و... است و نه سئوالاتی درباره کار اصلی مترجم یعنی ترجمه. در این حال به نظر می‌رسد مترجم از نقش اصلی خود خارج شده و در مقام منتقد و مفسر ادبی قرار گرفته است. البته ناگفته پیداست که در این مورد استثنائاتی هم وجود دارند که موضوع بحث ما نیستند. این وضعیت ما را در برابر این سوال قرار می‌دهد که آیا ما در ایران با تعریف و کارکرد جدیدی برای مترجم ادبی روبرو هستیم؟ به راستی جایگاه واقعی مترجم ادبی در فضای ادبی ایران کجاست؟ در ادامه جمال میرصادقی، علی صلح جو، سیاوش جمادی، ناصر فکوهی و حسن میرعبدینی به این سوال پاسخ داده‌اند.

علیرضا اکبری